

مدیریت دانش در مدرسه

حمیداله سلگی

دبیر از نهاوند

اشاره

مدیریت دانش^۱، رویکردی نو در علم مدیریت است که خلق، کسب، ذخیره‌سازی، انتشار، به اشتراک‌گذاری و به کارگیری دانش و آموخته‌ها را در برمی‌گیرد. نظام‌های آموزشی می‌توانند در استقرار مدیریت دانش نقش اصلی را بازی کنند؛ زیرا آموزش و پرورش با استفاده از فرایندهای مدیریت دانش قادر خواهد بود انسان‌هایی غنی از دانش تربیت کند. بین روش‌های یادگیری و خلق دانش رابطه نزدیکی وجود دارد و انسان از این طریق می‌تواند نیازهای اطلاعاتی خود را شناسایی و تعریف کند و به اشتراک بگذارد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دانش، دانش، مدارس دانایی محور.



فکری است و زندگی به صورت فزاینده‌ای، اطلاعاتی شده، رایانه‌های شخصی به هم پیوسته و مجموعه‌ای از شبکه‌ها و شاهراه‌های بزرگ اطلاعاتی را به وجود آورده است (هندی، ۱۳۷۵).

جامعه مبتنی بر دانش به همراه خود واقعیت‌های مجازی را نهادینه ساخته است که بر بستر آن، جریان‌های نمادین اطلاعاتی به تعامل می‌پردازد. مفهوم مکان و زمان دچار تحول مفهومی گشته و معنا نسبت به کارکرد برجسته‌تر شده است. صنعت‌گرایی به اطلاعات‌گرایی، کار سنتی به کار مبتنی بر دانش و مشاغل یدی به مشاغل با بار اطلاعاتی و دانشی تحول یافته است (کاستلزم، ۱۳۷۵). زمان و مکان به جریان‌های اطلاعاتی از سرمایه، تصویر، صدا و نما تبدیل گشته و عمیقاً مبتنی بر دانش و فن‌آوری شده است. مفهوم جامعه یادگیرنده^۱، جایگاه و موضوعیت آموزش و دانش را در زندگی روزمره یک شهروند در ابعاد تازه‌ای مطرح ساخته است. هر کس باید الگوی آموزشی مادام‌العمری برای خود داشته باشد و بیاموزد که چگونه یاد بگیرد (براون، ۲۰۰۱).

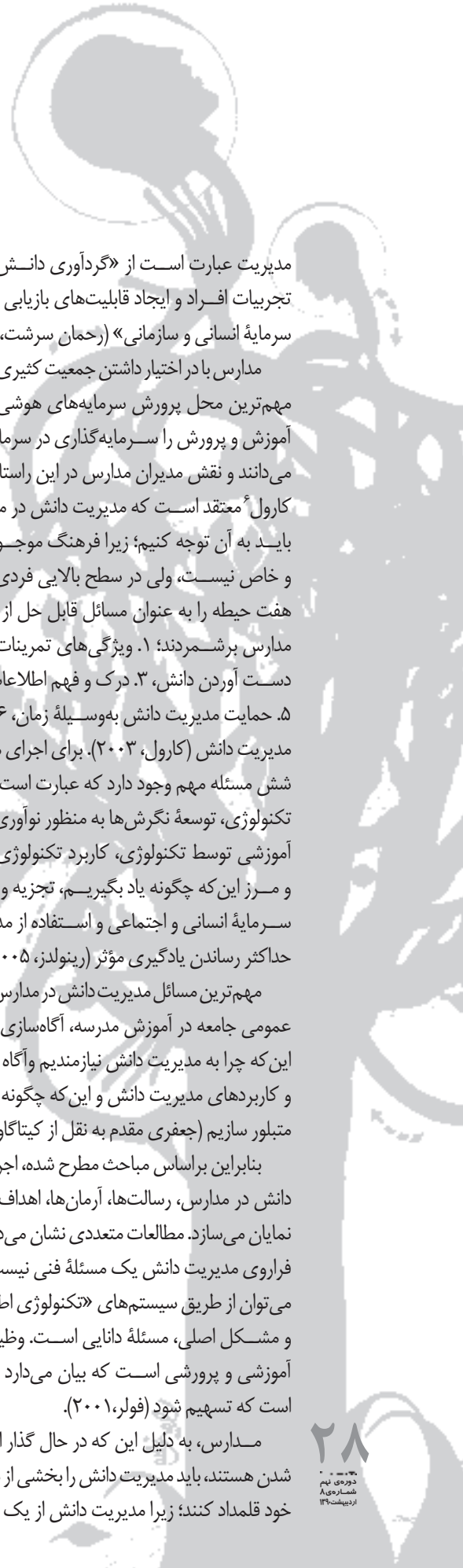
مفهوم آموزش و پرورش بر اثر تغییرات ساختاری، عمیقاً دگرگون شده است. کار یدی در برابر کار فکری، بیش از پیش کم‌ارزش شده و مفاهیمی همچون مدیریت دانش و کارمند دانش به میان آمده است. آموزش و پرورش نیز از الگوی سازمان یادگیرنده^۲ و جامعه یادگیرنده برخوردار گشته است. هر یک از مدیران و معلمان، نه تنها در زمینه شغلی خود، بلکه در ارتباط با فعالیت‌های مدیریت و فرایندهای آموزشی و محیط پیرامون، باید به صورت مداوم اطلاعات به روزی کسب کنند تا بتوانند در عرصه‌های علمی و کاری، حضوری اثربخش داشته باشند. فرایندهای آموزشی و مدرسه‌ای مبتنی بر بازآموزی و به هنگام‌سازی آگاهی‌ها و مهارت‌هاست. معلمان و دانش‌آموزان براساس میزان نمادپردازی، فعالیت‌های فکری، کیفی و خلاق و به جریان انداختن و خلق دانش و فن‌آوری، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

در واقع دانش در عصر جدید ابزاری برای حذف یا کاهش فاصله بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است، برای دستیابی به توسعه مبتنی بر دانش، مدارس می‌توانند نقش دانش‌آفرینی و مشروعیت‌بخشی به توسعه پایدار در جامعه جهانی، ملی و محلی را برعهده بگیرند. مدیریت دانش رویکردی نوین است که مدارس موفق قرن حاضر در جهت توسعه توانایی‌های خود به آن توجه دارند. این

ظهور عصر اطلاعات تأثیر عجاب‌آور و بی‌سابقه‌ای بر فرهنگ جوامع و جهت‌دهی آن داشته و تأکید بر دانایی، بیش از هر زمان دیگر جنبه حیاتی به خود گرفته است. در آغاز دهه ۹۰ میلادی، الوین تافلر^۳ با عنایت به ظهور آثار و کارکردهای رایانه‌های شخصی و شبکه‌های ماهواره‌ای و فن‌آوری‌های اطلاعاتی پیشرفته، یکی از پیامدهای جامعه فراصنعتی و موج سوم را تحول مفهومی و ساختاری معرفی می‌کند؛ تحولی که دیگر، نه صرفاً در ابزارهای نظامی یا حتی دلارهای اقتصادی، بلکه در نظام دانایی و اطلاعات فوران می‌کند. این تحولات ساختاری موجب شده تا زندگی در ابعاد بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تری به دانش و اطلاعات متکی باشد.

رشد مدیریت دانش را می‌توان براساس دو رویکرد تکنولوژی اطلاعات و مدیریت اطلاعات بررسی کرد. براین اساس، مدیریت دانش سه مرحله را پشت سر گذاشته است و در حال حاضر در مرحله چهارم است. اولین مرحله با رویکرد تکنولوژی اطلاعات، بر بهره‌وری سازمانی تمرکز دارد. مرحله دوم با این که مشابه مرحله اول است، اما بر مشتری تمرکز دارد. مرحله سوم، در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱، مرحله‌ای تعاملی بوده است. اما در مرحله چهارم، ارزش دانش افراد مطرح است. این مرحله بسیار مهم و امیدبخش است؛ زیرا به موضوعات انسانی می‌انديشد؛ این که چگونه می‌توان اعضای سازمان را برای خلق دانش جدید ارتقاء داد؟ چگونه می‌توان برای سهیم‌سازی دانش، محیط‌های عادی ایجاد کرد؟ و چگونه می‌توان محیط‌هایی برای افزایش نوآوری به وجود آورد؟ سرمایه‌گذاری در این مرحله، مستلزم سرمایه‌گذاری در افراد، استخدام افراد توانمند، ایجاد محیط‌های مناسب دانش‌مدار و... است (عدلی، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

چارلز هندی^۴ از تحولات جاری جهان به عنوان یک انقلاب کپرنیکی یاد می‌کند که در آن الگوها به صورت بنیادی در تحول هستند و شهروندان تنها از طریق سهیم شدن در نظام دانایی و معرفت می‌توانند با این تحولات همراهی خلاق داشته باشند. هندی عوامل مؤثر در ایجاد ارزش افزوده در سازمان‌های جدید را با معادله‌ای تحت عنوان سه آی (I)، بدین صورت بیان کرده است: هوشمندی (Intelligence)، اطلاعات (Information)، اندیشه (Idea). بدین ترتیب سازمان‌های جدید بر اندیشه، هوشمندی، خلق دانش، ابداع و نوآوری مبتنی هستند. در این سازمان‌ها مهم‌ترین دارایی، دارایی



مدیریت عبارت است از «گردآوری دانش و قابلیت‌های عقلانی و تجربیات افراد و ایجاد قابلیت‌های بازایی آن‌ها به عنوان مهم‌ترین سرمایه انسانی و سازمانی» (رحمان سرشت، ۱۳۷۹).

مدارس با در اختیار داشتن جمعیت کثیری از دانش‌آموزان و معلمان، مهم‌ترین محل پرورش سرمایه‌های هوشی و دانشی جامعه هستند. آموزش و پرورش را سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های هوشی (انسان‌ها) می‌دانند و نقش مدیران مدارس در این راستا بسیار حائز اهمیت است. کارول معتقد است که مدیریت دانش در مدارس چالشی است که باید به آن توجه کنیم؛ زیرا فرهنگ موجود در مدارس، اگرچه یک‌ه و خاص نیست، ولی در سطح بالایی فردی است. وی و همکارانش هفت حیطه را به عنوان مسائل قابل حل از طریق مدیریت دانش در مدارس برشمردند؛ ۱. ویژگی‌های تمرینات مدارس، ۲. تسخیر و به دست آوردن دانش، ۳. درک و فهم اطلاعات، ۴. بازسازی اطلاعات، ۵. حمایت مدیریت دانش به وسیله زمان، ۶. ارزشیابی، ۷. ابزارهای مدیریت دانش (کارول، ۲۰۰۳). برای اجرای مدیریت دانش در مدارس شش مسئله مهم وجود دارد که عبارت است از ایجاد آگاهی به وسیله تکنولوژی، توسعه نگرش‌ها به منظور نوآوری، استفاده از آزمایش‌های آموزشی توسط تکنولوژی، کاربرد تکنولوژی مناسب برای تعیین حد و مرز این که چگونه یاد بگیریم، تجزیه و تحلیل دانش برای ایجاد سرمایه انسانی و اجتماعی و استفاده از مدیریت دانش به منظور به حداکثر رساندن یادگیری مؤثر (رینولدز، ۲۰۰۵).

مهم‌ترین مسائل مدیریت دانش در مدارس این‌ها هستند: آگاه‌سازی عمومی جامعه در آموزش مدرسه، آگاه‌سازی معلمان و دانش‌آموزان از این که چرا به مدیریت دانش نیازمندیم و آگاه ساختن آن‌ها از کارکردها و کاربردهای مدیریت دانش و این که چگونه دانش مدرسه را حفظ و متبلور سازیم (جعفری مقدم به نقل از کیتاگاوا و توشوا، ۱۳۸۲).

بنابراین براساس مباحث مطرح شده، اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت دانش در مدارس، رسالت‌ها، آرمان‌ها، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت را نمایان می‌سازد. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین چالش فراروی مدیریت دانش یک مسئله فنی نیست؛ زیرا چنین مسئله‌ای را می‌توان از طریق سیستم‌های «تکنولوژی اطلاعات» حل کرد؛ چالش و مشکل اصلی، مسئله دانایی است. وظیفه مشکل تفوق بر موانع آموزشی و پرورشی است که بیان می‌دارد اطلاعات بالارزش‌تر از آن است که تسهیم شود (فولر، ۲۰۰۱).

مدارس، به دلیل این که در حال گذار از پارادایم رشد و جهانی شدن هستند، باید مدیریت دانش را بخشی از مأموریت و استراتژی‌های خود قلمداد کنند؛ زیرا مدیریت دانش از یک طرف با جذب دانش‌های

جدید به درون سیستم و از طرف دیگر با اداره مؤثر آن دانش می‌تواند مهم‌ترین عامل در ایجاد و توسعه مدارس دانایی‌محور باشد. مدیریت دانش مستلزم وجود رهبری آگاه و مدیریت مشارکتی است. در محیط‌های آموزشی که تفکر خلاق و انتقادی را ارزش حاکم تلقی می‌کنند، این تفکر خلاق عاملی کلیدی و راهگشا در مدیریت دانش است. با ایجاد مدارس دانایی‌محور و بهره‌گیری از الگوی مدیریت دانش و فن‌آوری اطلاعات در مدارس می‌توان سرعت، کیفیت و مطلوبیت خدمات آموزشی را ارتقاء داد و برای توسعه آن در مدارس، باید به‌طور نظام‌مندی تمام تغییراتی را که به نوعی منجر به تداخل و تعامل یا بازسازی دانایی می‌شوند، تشویق و حمایت نمود.

در حقیقت مدیریت در مدرسه رویکرد سیستماتیک خلق، دریافت، سازماندهی، دستیابی و استفاده از آموخته‌های در فرایندهای یاددهی - یادگیری و تدریس است. مدارس باید برای بهبود این فرایندها به مدیریت دانش به عنوان یک راهبرد و نقشه کلی در جهت درک بهتر راهکارها و راه‌حل‌ها توجه کنند. هر چند در آموزش و پرورش و سازمان‌های آموزشی کشور ما واحدهای فناوری اطلاعات وجود دارد که به ظاهر عهده دار نقش مدیریت دانش هستند، اما متأسفانه همه عناصر و مؤلفه‌های مدیریت دانش را در بر نمی‌گیرند و در توسعه فرایند یادگیری در محیط مدارس نقش و جایگاه مؤثری ندارند.

پی‌نوشت

1. Knowledge Management
2. Tafler
3. Charlies Hendy
4. Learning Society
5. Learning Organization
6. Carol Casset

منابع

۱. هندی، چارلز (۱۹۹۰)، عصر سنت‌گریزی (مدیریت و سازمان در قرن بیست و یکم)، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۲. کاستلز، م (۱۳۷۵) عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احد عقیلان و همکاران، تهران: طرح نو.
۳. عدلی، فریبا (۱۳۸۲) مدیریت دانش، حرکت به فراسوی دانش، فراشناختی اندیشه.
۴. کاست، کارول (۱۳۸۳) مدیریت دانش از دیدگاه یک استراتژی تجاری، ترجمه صدیقه احمدی فصیح، فصل نامه علوم اطلاع رسانی، دوره ۱۸، شماره ۳ و ۴.
۵. داونپورت، تامس ایچ (۱۳۷۹) مدیریت دانش، ترجمه محمدحسین رحمان سرشت، تهران: سایکو، چاپ اول.
۶. جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۳) مدیریت دانش در نظام مدیریت مدرسه محور، فصل نامه مدیریت، شماره ۳۵ و ۳۶.
7. Brown, G (2001) "The right to learning". rout ledge, Newyork Y, pp.96_ 108.
8. Fuller, s (2001) "Knowledge management foundations "Butterworth _Heinemann, Boston. pp.49- 61.
9. Mary, Reynolds (2005) "The contribution of Knowledge management to learning: practice and potential and Newzealand school".